

نوشته: جیمز فریزر
برگردان: دکتور لعل زاد
۱۹ جولای ۲۰۲۰

افغانستان و شهر های آن [تاریخ پارس، جیمز فریزر، ۱۸۳۴]

=====

(ص ۲۹۱ - ۳۳۰)

جیمز فریزر (۱۷۸۳ - ۱۸۵۶) سیاح، نقاش و نویسنده مشهور سکاتلندی بود که در باره آسیای صغیر و هند نوشته های فراوان دارد. او در ۱۸۱۳ به هند رفت و از آن جا روانه پارس شد و در ۱۸۲۳ به لندن برگشت. اما در ۱۸۳۶ دوباره به پارس فرستاده شد. او نوشته های زیادی از این مسافرت های خود دارد که یکی از آنها همین کتاب حدود ۳۵۰ صفحه ای او زیر نام «گزارش تاریخی و توصیفی پارس...» است که در ۱۸۳۴ چاپ شده است.

+ + +

در تعریف حدود افغانستان، ما خود را به مملکتی محدود می کنیم که نام درست آن است، یعنی در شمال آن قله های هیرناله (Himrnaleh) یا هندوکش؛ در شرق آن رود های سند و جیلیم؛ در جنوب آن (در شرق رود سند) شاخه شرقی سلسله کوه های نمک و (در غرب رود سند) سیوستان یا کچ گنداوه و ساریوان بلوچستان؛ در غرب آن دشت نمک و هیرمند؛ و در شمال غرب آن کوه های پاروپامیز و مملکت هزاره ها قرار دارد...

مملکتی را که ترسیم کردیم، توسط قبایل زیادی اشغال شده که ادعای منشای مشترک دارند و قومی را تشکیل می دهند که از نگاه شخصیت (ویژگی)، چهره و رفتار از تمام ایالت های اطراف آن متفاوت است؛ در حالی که در عین حال، تنوع موجود در میان خود شان نیز قابل ملاحظه است...

شهرهای عمده افغانستان عبارت اند از کندهار، غزنی، کابل و پشاور.

۱. کندهار

از این ها دو شهر اولی [کندهار و غزنی] در تاریخ و داستان های شرقی بسیار مشهور اند. قلعه باستانی کندهار بر روی یک تپه صخره ای بلند قرار داشت. اما نادرشاه پس از گرفتن قلعه، شاید به دلیل این که گذاشتن آن در اختیار چنین مردمی که نمی تواند به آنها اعتماد کند، آن را نابود کرد و بر روی جلگه همجوار، شهر جدیدی اعمار کرد و نام آن را نادرآباد گذاشت. آنچه اکنون شهر کندهار نامگذاری شده، توسط احمد شاه درانی اعمار شده و در زمان فاستر مربعی حدود سه میل با استحکامات عادی داشت. آن گاه پرجمعیت و پر رونق بود. از آنجا که در مسیری قرار دارد که هند را مستقیماً به پارس پیوند می دهد، هنوز هم یک مرکز مهم است. بازار به خوبی پر شده و شمار زیادی بازرگانان ثروتمند هندو در آن جا یافت می شوند که مالک مغازه های بسیار مهم و پر از کالا های ارزشمند اند.

۲. غزنی

ویرانه های غزنی باستان تضاد چشمگیری با وضع شگوفان کندهار بوجود می آورد. آنچه اکنون باقی مانده است، چیزهای کمی برای گفتن از افتخارات محمود قدرتمند دارد. «کاخ سعادت» مانند سایر دیدگاههای خوش بختی انسان همجنس گرا ناپدید شده است؛ در حالی که مقبره غمناک که حاوی گرد و خاک او است، اخلاق قابل توجه غرور شاهان را در خود دارد. این یک ساختمان فراخ است، اما با شکوه نیست و هنوز هم نمایشگر یادبود های حاکمیتی است که بقایای او را نگهداری می کند. دروازه های چوب صندل که او از معبد سومنات آورده است، هنوز هم دروازه های بزرگ آن را پر نموده است. گرز ساده اما سنگین که در دست «بت شکن» تصویر وحشتناکی بر زمین انداخته، به گونه بی کار و بی ضرر بر سر مقبره مرمری قرار دارد.

در میان چند اثر باقی مانده از شاهان غزنوی، مهم ترین آنها پشته ای خاکی در امتداد جویباری است که گر چه به هنگام تسخیر پایتخت توسط شاهان غوری آسیب دیده، هنوز هم برای آبیاری مزارع مجاور کافی است. دو منار بلند به ارتفاع ۱۰۰ فوت نشان دهنده

مکانی است که مسجد مشهوری در آن جا ایستاده بود و مغروران بنام «عروس آسمانی» نامیده می شد، اما حالا چند تپه زباله و انبوهی از ویرانه های حمام های باشکوه، کاروان سراها، دانشکده ها و خانه های نجیب باقی مانده که روزگاری زینت گاه پایتخت شرق بود. شهر موجود که بر روی یک بلندی ساخته شده، متشکل از ۱۵۰۰ خانه بوده، توسط دیوار های سنگی احاطه شده و شامل سه بازار متوسط و یک چارسو یا مربع پوشیده در مرکز است.

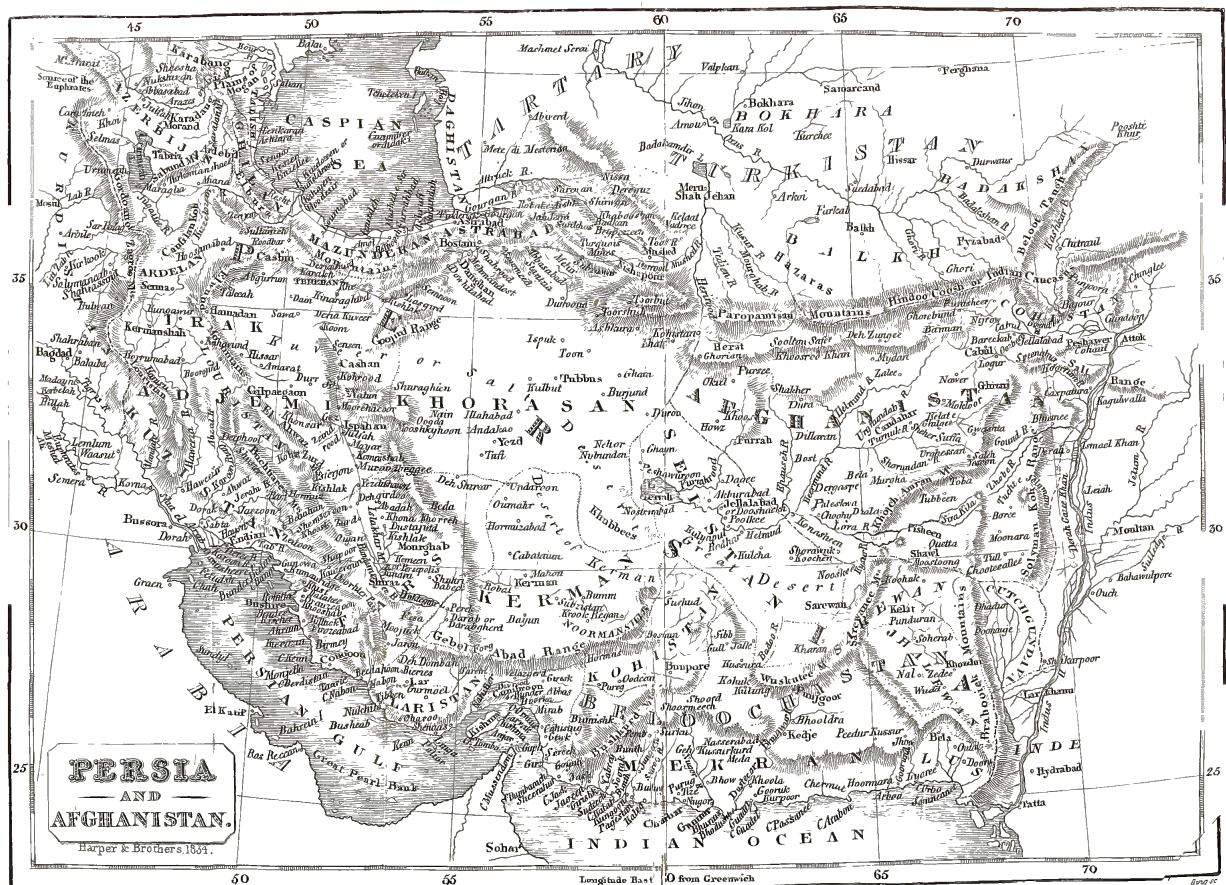
۳. کابل

کابل پایتخت سلطنت از سه سمت با تپه های کم ارتفاع احاطه شده که در بالای آنها یک دیوار مخروطی قرار دارد. پس از عبور از یک پل بر فراز رودخانه، یک دهانه بسوی شرق وجود دارد که با استحکامات احاطه شده است، جایی که جاده عمومی وارد یک دروازه می شود. قلعه یا کاخ بالاحصار که در ارتفاع شمالی این ورودی ایستاده است، نوعی ارگ حاوی کاخ شاه است که در آن چندین تالار وجود دارد و با تزیینات سلطنتی گنبد طلایی متمایز شده است. در آنجا یک قلعه فوقانی وجود دارد که به عنوان زندان دولتی برای شهزادگان استفاده می شود. در مرکز شهر، یک میدان باز وجود دارد که دارای چهار بازار بوده، هر یک دو طبقه ارتفاع داشته و با سقف کمانی پوشانیده شده است. بیشتر ساختمان های کابل چوبی اند - یک ماده ای که به دلیل مقاومت آن در برابر زلزله توصیه شده و این مکان با آن مواجه بوده است. این شهر با آنکه گسترده نیست، فشرده و زیباست. کابل با باغ ها و بوستان ها احاطه شده، با جویبار های مرغوب آبیاری شده، زیبایی و قشنگی گل های آن ضرب المثل عام است؛ میوه های آن در دور و نزدیک مشهور است؛ اقلیم و منظره های آن در شرق بی نظیر تلقی می شود. یکی از جالب ترین و دلکش ترین نقاط دیدنی آن مقبره بابر مشهور، موسس امپراتوری مغول در هند است. این محل بر روی یک پشته بلند در جوار شهر قرار دارد، در میان باغچه های شقایق و انواع گل ها، چشم انداز با شکوهی را نشان می دهد که آن شاه بزرگ و مهربان معمولاً

به هنگام گذراندن اوقات فراغت با دوستان دلاور خود از آن لذت می بردند، جایی که هنوز بقایای او قرار دارد.

۴. پشاور

پشاور دومین شهر از نگاه جمعیت است که در یک جلگه ای زیبا، اما سطح نامنظم قرار دارد. این شهر حدود ۵ میل مدور بوده و هنگام بازدید الفستون حدود ۱۰۰ هزار جمعیت داشت. خانه ها از خشت خام و در چوکات های چوبی ساخته شده و معمولا سه طبقه اند. جاده ها سنگ فرش بودند، اما باریک و ناخوشایند. دو یا سه جویبار از میان شهر می گذرد و با درختان بید و توت پوشیده شده است. جاده ها و بازار ها پر از تمام اقوام و زبان ها و دکان ها پر از انواع کالا هاست؛ اما شهر در آن زمان محل اقامت دربار بود و به تبع آن حضور پرشکوه و درخشان و شایان چنان موقعیت شاهانه.



HISTORICAL AND DESCRIPTIVE

ACCOUNT OF

Harris

P E R S I A,

FROM THE

EARLIEST AGES TO THE PRESENT TIME :

WITH

A DETAILED VIEW OF ITS RESOURCES, GOVERNMENT,
POPULATION, NATURAL HISTORY, AND THE CHAR-
ACTER OF ITS INHABITANTS, PARTICULARLY
OF THE WANDERING TRIBES :

INCLUDING A DESCRIPTION OF

AFGHANISTAN AND BELOOCHISTAN.

BY

JAMES B. FRASER, ESQ.,

Author of "Travels in Khorasān," "A Tour through the Himāla,"
&c. &c.

ILLUSTRATED BY A MAP AND SEVERAL ENGRAVINGS.

NEW-YORK :

PUBLISHED BY HARPER & BROTHERS,

NO. 82 CLIFF-STREET.

1834.